



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 13 rd.

Year/NO: 4 Winter 2021

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۱۸

جرم بودن اقدام علیه بشریت به وسیله سلاح‌های هسته‌ای

از نگاه فقه با رویکرد فتوای مقام معظم رهبری

دکتر حامد رستمی نجف آبادی^۱ دکتر عبدالرضا فرهادیان^۲

چکیده

سلاح‌های هسته‌ای و ساخت و کاربرد این سلاح‌ها یکی از معضلات در دنیای کنونی بوده و همواره کشورها به خاطر داشتن این سلاح‌ها تهدید شده و مورد هجمه‌ی جامعه جهانی قرار گرفته‌اند. استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، اقدام علیه انسانیت بوده و مردود است و آیات و روایات نیز بر حرمت آن صحه می‌گذارند. در این تحقیق فتوای مقام معظم رهبری در مورد سلاح‌های هسته‌ای و اکاوی و بررسی می‌شود. فتوای رهبری درباره حرمت تولید سلاح هسته‌ای، حکم اولیه بوده و مضافاً می‌توان آن را به خاطر مصالح و مفاسد حاکم بر جهان و ایران، حکم حکومتی دانست. حتی با وجود به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی از سوی دشمن باز هم مسلمانان به کاربست سلاح‌های کشتار جمعی مجاز نیستند و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در هر صورت، تولید و نگهداری آن جرم عام بوده و اقدام علیه انسانیت محسوب می‌شود. حتی تهدید دشمن با سلاح‌های کشتار جمعی از نظر اکثر فقهاء و مقام معظم رهبری ممنوع است. بررسی مباحثی چون انسان‌شناسی، کرامت انسانی و مجاری صدور حکم و همچنین بررسی آیات و روایات از جمله مهم‌ترین مبانی صدور حکم در خصوص مباحثی نظیر سلاح‌های هسته‌ای است. اصول و قواعد اسلامی هم‌چون تناسب میزان سلاح با جهاد، قواعد قرآنی نهی از سعی در افساد، منع از نزدیک شدن به اتم و قاعده وزر حکومت اسلامی را از به کار بردن سلاح‌های کشتار جمعی منع می‌کند.

کلید واژه: سلاح هسته‌ای، جرم، فقه اسلامی، کرامت انسانی، مقام معظم رهبری.

۱- استادیار گروه فقه و حقوق امامیه، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). hamedrostami@mazaheb.ac.ir

۲- استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میمه، میمه، ایران. farhaadian@gmail.com

۱- طرح مسئله

یکی از دانش‌های نوظهور بشریت امروز دانش هسته‌ای است، که انسان در سایه تجربه و آزمایش، بر آن دانش دست‌یافته، ولی دانش‌های بشری به‌ویژه در علوم طبیعی مثال شمشیر دولبه است و می‌توان از آن‌ها برای سعادت بشر بهره برد؛ مانند انرژی هسته‌ای که در مورد پزشکی و کشاورزی و تولید برق استفاده دارد و در عین حال می‌توان از آن به‌عنوان یک سلاح مخرب و ویرانگر استفاده کرد. با توجه به اصول اسلام در مورد انسان و احترامی که دارد، بهره‌برداری به صورت سلاح کاملاً ممنوع است و حتی نمی‌توان به‌عنوان بازدارندگی از آن بهره برد.

در عصر ما یکی دیگر از جرایم علیه انسانیت مطرح می‌شود: بمباران‌های شیمیایی مردم بی‌گناه و فروریختن بمب بر خانه‌های مسکونی، کشتارهای دسته‌جمعی همه نشان از جرایمی هستند که از طرفی می‌توانند به دلیل برخورد با وجدان جامعه بشری موضوع بحث‌های اخلاقی و عاطفی باشند و از طرف دیگر به واسطه قرار گرفتن در محدوده فقه اسلامی و حقوق جزای بین‌الملل موضوع تحلیل‌های حقوقی فراوان گردند که گرچه در قسمت اول بسیار گفته و نوشته شده اما در قسمت دوم لزوم دقت در جنبه‌های حقوقی و اجتماعی آن بیشتر ضروری است.

در حقوق جزای داخلی به جرایم علیه اشخاص توجه فراوان شده است و در مجموعه‌های قوانین و مقررات جزایی به این‌گونه جرایم دقت کرده‌اند، اما جرایم علیه انسانیت در مفهوم خاص خود اصلاحی است که در اساسنامه دادگاه نورمبرگ برای محاکمه جنایتکاران و بزهکاران علیه انسانیت به کار گرفته شد، اما قبل از آن در فقه غنی شیعه بدان پرداخته شده و مبنای صدور فتاوی فقهای شیعی بوده است.

توجه به این‌گونه جرایم با دقت در این نکته که انسانیت را در مفهوم شناخت عام بشری مورد آسیب و خدشه قرار می‌دهد، نیاز به تفکری مجدد در مفاهیم جرم از سویی و انسانیت از سوی دیگر دارد، مفاهیمی تقریباً روشن از نظر جرم و مبهم از نظر انسانیت است.

جمهوری اسلامی و صدور فتوای مقام معظم رهبری، نه به‌عنوان یک تاکتیک، مصلحت و سیاست، بلکه براساس آنچه که از قرآن و باورهای دینی اتخاذ می‌کند، تولید، انباشت و بکارگیری سلاح‌های غیرمتعارف را جایز نمی‌داند؛ که در این تحقیق سعی شده است که به بررسی مبانی و منابع فقهی «فتوای حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی» که از جانب مقام معظم رهبری مطرح شد، از منظر فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل پرداخته شود؛ مقام معظم رهبری بر این «فتوا» به عنوان نظام فکری فقه شیعه، برای تمدن جهانی اسلام تأکید فرموده‌اند.

۲- مفاهیم

۱-۲- انسانیت

انسانیت عبارت است از کیفیت، احساسات و سیرت مناسب بشر است که ابتدا به ساکن تنها توصیفی نبوده، بلکه کارکرد آن هنجاری نیز بوده است. انسانیت مصدر جعلی از انسان است، تعریف انسان در وهله‌ی نخست جنبه عینی وجود او را متبادر به ذهن می‌کند و در گام بعدی ذهنیت انسان در ارتباط با مفهوم ذاتی او مشخص می‌گردد. وقتی با شما در مورد الف صحبت می‌کند بلافاصله اگر او را بشناسید تصویر خارجی وی در نظرتان مجسم می‌شود، ادراکات

هماهنگ بعدی از شناخت الف تصویر شخصیت او را به دست می‌دهد این شخصیت جدا از هیئت مورد شناسایی شما نیست، بهتر بگوییم جنبه عینی انسان وجود خارجی اوست، آن چیزی که می‌بینیم و می‌توانیم لمس کنیم، موجودی که روی دو پا می‌ایستد، دارای ویژگی‌های خاص جمجمه‌خویش است و به قول فلاسفه وجود متفکر است که با منطق سروکار دارد.

اما این موجود متفکر و منطقی چگونه به منطق دست یافته و از آن بهره برده است؟ پاسخ را باید در ذهنیت انسان که ناشی از سیستم مغزی اوست جستجو کرد. مغز با دریافت داده‌های خارج و تنظیم آنها به نحو مطلوب (و البته در شرایطی ممکن و با توجه به عدم اخلال ارگانیسم) به مرور زمان ذهنیت انسانی را می‌سازد و این ذهنیت به ارزیابی مسائل و داده‌ها می‌پردازد و باز داده‌های جدید کسب و ارزیابی‌های تازه‌ای به وجود می‌آید، شرایط روانی و جبرهای اجتماعی ماده قضاوت فرد را نسبت به خود و محیط ایجاد می‌کنند در حالی که خود این داده‌ها از محیط و شرایط خاص فرد متأثر شده‌اند؛ به هر حال ذهنیت با معیارهای مختلفی آشنا می‌شود و به تدریج معیارهای مشترکی با ذهنیت دیگران پیدا می‌کند، معیارهای مشترک صرف نظر از تعریف، عمق، بعد، شرایط زمانی و مکانی و نوعشان (که تاثیر هر یک را بدو تحلیل و آنگاه ترکیبی می‌توان بررسی کرد) عناوینی را به خود می‌گیرند که گرچه در همه عالم به یکسان تفسیر نمی‌شوند اما به دلیل اشتراک معنوی در جهات مختلف به اشتراک لفظی می‌رسند. بدین تعبیر انسان در این اشتراک موجودی است متفکر، مسئول، خیرخواه و نه موجودی فاقد تفکر، بی‌بند و بار و طالب شر و بدی، چنین موجودی در مورد مسائل به تعمق می‌نشیند، خود را در قبال خود، خداوند و دیگران مسئول می‌شناسد به ارزش‌های فردی خود و دیگران احترام می‌گذارد، ستمگری را نفی می‌کند و ستم‌کشی را تحقیر می‌نماید، آزادی را دوست دارد و خیر را برای خود و دیگران جستجو می‌کند، شرور نیست و پلیدی را نمی‌پسندد و خلاصه علی‌رغم تفسیرهای موسع این مفاهیم از ناحیه پردازان، در حد توان خویش و با توجه به استعمال این مفاهیم در مواضع عرفی خود (چه در یک جامعه معین و چه در جوامع مختلف) سعی می‌کند تا انسان باشد و انسانی فکر کند. انسان بودن و انسانی فکر کردن و یا به تعبیر دیگر انسانیت با وجود تفسیرپذیری مفاهیمی تازه نیستند. بدیهی است فرهنگ جوامع مختلف تعاریف کم و بیش متنوعی از انسانیت می‌دهند، اما هم‌چنان که گفته شد وجوه مشترک این تعاریف در آن حد متعارف و منطقی قابل رؤیت است که بتوان تعریفی از انسانیت داد و آن را جلوه پسندیده کشش‌های متعالی آدمی به سوی کمال شناخت. مقصود از این کشش‌های متعالی مجموعه داده‌های مورد قبول متعارف اخلاقی اکثریت جوامع انسانی است، بی‌آن که موارد استثنائی نادیده انگاشته شود. انسانیت در این تعریف سخن شیرین و جذابی برای خوشامد دیگران نیست، واقعیت جاندار زمانه و گویای سیر آدمی به سوی کمال است. (نوربها، ۱۳۷۱).

۲-۲- سلاح کشتار جمعی

سلاح‌های کشتار جمعی، سلاح‌هایی هستند که هنگام به‌کارگیری آنها برای اهداف نظامی و کشتار گروهی انسان‌ها به غیر نظامیان هم آسیب وارد می‌کنند و یا موجب تخریب و تغییر محیط‌زیست می‌شوند و این آسیب رساندن و تغییر محیط‌زیست برگشت‌ناپذیر است (به وضع اولیه بر نمی‌گردد). به بیان دیگر سلاح‌های کشتار جمعی سلاح‌هایی هستند که به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم از راه تخریب محیط‌زیست یا تخریب سازه‌های ساخت بشر به گروه‌های انسانی آسیب می‌رسانند و این آسیب رساندن برگشت‌ناپذیر است (قابل ترمیم و بهبود به وضع اولیه نیست) یا به کشتار

گروهی انسان‌ها منجر می‌شوند و نمی‌توان در کاربرد این سلاح‌ها و آسیب‌رسانی آنها میان نظامیان و غیر نظامیان تفکیک کرد؛ به گونه‌ای که هرگاه از این سلاح‌ها استفاده می‌شود در کنار نظامیان، شمار بسیاری از غیر نظامیان هم دچار کشتار و یا آسیب می‌شوند (عبدی و هاشمی، ۱۳۹۷). سلاح هسته‌ای نیز جنگ‌افزارهایی هستند که در آنها از انرژی حاصل از شکافت یا گداخت هسته‌ای برای تخریب و کشتار استفاده می‌شود.

۳-۲- کرامت انسانی

کرامت انسانی از جمله کلیدی‌ترین مفاهیمی است که در حمایت از ابنای بشر و مقام انسان مورد توجه ادیان آسمانی، نظام‌های حقوقی، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها قرار گرفته‌است؛ به طوری که امروزه آوازه آن، شهرت جهانی یافته و زینت بخش گفتمان‌های حقوق بشر در سطح جهان گردیده‌است.

اگرچه واژه کرامت، در ادبیات دینی ما وجود داشته‌است، ولی رایج شدن، آن در اصطلاحات حقوق و انسانی، پس از رواج اصطلاحات مربوط به حقوق بشر است. این واژه، از کلمه «Dignity» در انگلیسی گرفته شده و آنچه در متون انگلیسی و نوشته‌های مربوط به حقوق بشر آمده، همین واژه دیگنتی است که در فارسی از آن به حیثیت، کرامت و یا منزلت انسانی یاد می‌شود. کرامت در لغت معانی مختلفی دارد. مهم‌ترین آنها عبارتند از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگی‌ها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت (دهخدا، ۱۳۷۷) در بررسی جایگاه کرامت انسان در اسلام، باید میان کرامت ذاتی و اکتسابی او تمایز قائل بود. به نظر می‌رسد در دین اسلام بتوان دو نوع کرامت برای انسان یافت. یکی کرامتی جهان‌شمول که صفتی فطری و ذاتی است و از آیه‌ای چون «و لقد کرّمنا بنی آدم» (اسراء، ۷۰) مستفاد می‌گردد (عمیدزنجانی و توکلی، ۱۳۸۶). این نوع کرامت عام است و همگی انسان‌ها اعم از زن و مرد، مؤمن و کافر و... را شامل می‌شود و بیانگر صفت رحمانیت خداوند است. رحمان در مقابل رحیم بوده و آن نوعی از کرامت خداوندی است که تمام بشر را در بر می‌گیرد. کراماتی چون حق حیات و خلقت انسان، قدرت اراده و اختیار، قدرت تعقل و اندیشه، مسخر قرار دادن دیگر موجودات برای انسان، فراهم کردن اسباب هدایت انسان، مانند فرستادن رسول ظاهری و باطنی، از این جمله‌اند (اخوان‌کاظمی، ۱۳۸۷). نوع دیگر کرامت انسانی، اکتسابی و غیر ذاتی بوده و مقید به عقیده انسان است و در رابطه انسان با خداوند تعریف شدنی است و از آیه‌ای نظیر «ان اکرمکم عند الله اتقیکم» (حجرات، ۱۱۳) قابل برداشت است؛ چرا که در این آیه مبنای کرامت، نه بشریت، بلکه تقوا معرفی شده‌است. به عبارت دیگر اکتساب کرامت منظور در این آیه، مقید به تقوا است. (عمیدزنجانی و توکلی، ۱۳۸۶) این نوع کرامت خاص بوده و تنها انسان‌هایی را شامل می‌شود که راه حقیقت را یافته‌اند و ایمان به خدا دارند. خداوند به این دسته از انسان‌ها رحمت خاص عطا کرده که غیرمؤمنان از آن بی‌نصیبند (اخوان‌کاظمی، ۱۳۸۷). در اعلامیه جهانی حقوق بشر جهت جلوگیری از بروز اختلافات عقیدتی میان مردم کشورهای گوناگون، به کرامت ذاتی انسان توجه شد است و در اسلام نیز در کنار کرامت اکتسابی به کرامت ذاتی انسان، توجه شده‌است. کرامت انسان در اسلام، نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری، بلکه بر اساس یک امر هستی شناختی و اصیل، که منشأ آن ذات خلقت بشری است و نیز بر مبنای احکام و فرامین الهی توجیه می‌شود. از جمله این مبانی می‌توان به قدرت اراده و اختیار انسان، آزادی انسان، خلیفه الله بودن انسان و وجهه الهی داشتن انسان اشاره کرد. تمام این موارد

خاصه انسان است و دیگر موجودات را شامل نمی‌شود و از طرفی هم با فساد و خونریزی و گناه انسان از بین نمی‌رود. بنابراین برای حفظ کرامت اسلامی انسان باید به این مبانی و حقوق توجه کرد و آنها را در هیچ انسانی از بین نبرد. استفاده از سلاح‌های هسته‌ای کرامت انسانی را لگه‌دار کرده و نادیده‌گرفتن مسلم این اصل است.

۴-۲- جرم

جرم مانند بسیاری از اصطلاحات حقوقی دارای معنای لغوی، و معنی اصطلاحی است، و چون معنی اصطلاحی، معمولاً، با معنی لغوی مشابهت دارد، و از معنی لغوی گرفته شده‌است، جرم و جریمه از جرم - به فتح جیم - گرفته شده، که به معنی قطع کردن است. یا به قول راغب اصفهانی اصل معنی جرم، بریدن میوه از درخت است، و برای هر کسب و کار زشت و مکروه، استعاره شده‌است، و به معنی وادار کردن بر کاری ناپسند نیز اطلاق شده‌است. با توجه به معنی لغوی جرم، و آنچه از آیات قرآن استفاده می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت، که جرم و جریمه در لغت، به ارتکاب کارهای زشت و ناپسند، و مخالف حق و عدل اطلاق می‌شود. معنی حقوقی جرم، در فقه، با آنچه در لغت مورد بحث قرار گرفت، چنانچه بدان اشاره شد، مشابهت دارد، بلکه می‌توان گفت بین آنها هیچ فرقی وجود ندارد، زیرا فقهاء جرم را چنین تعریف کرده‌اند: جرم عبارت است از انجام دادن فعل، یا گفتن قول که قانون اسلام آن را حرام شمرده، و بر فعل آن کیفری مقرر داشته‌است، یا ترک فعل، یا قول، که قانون اسلام آن را واجب شمرده، و بر آن ترک کیفری مقرر داشته‌است (فیض، ۱۳۸۵).

در حقوق جزای وضعی، غالباً، روی تعریف زیر که برای جرم آمده‌است، تکیه می‌شود: جرم، عبارت است از عملی که قانون آن را قدغن کرده، یا ترک عملی که قانون آن را لازم دانسته، و بر آن عمل، یا ترک، کیفری مقرر داشته‌است (همان). خلاصه این که جرم عبارت است از عملی که قانون را نقض کند.

۳- ادله حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در فقه اسلامی

فقه اسلامی از آنجایی که سعی دارد در فتاوا، روشی را اتخاذ نماید که به قول قرآن و معصوم علیه‌السلام نزدیک شود، از این رو فتاوا در فقه اسلامی، هماهنگ با اندیشه‌های فطری، می‌باشد و فتوای مقام معظم رهبری در خصوص تحریم ساخت و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای از همین نوع است، در ادامه این ادله مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد:

۳-۱- آیات قرآنی

۳-۱-۱- آیات دال بر حرمت قتل

این آیات مانند: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده، ۳۲) و «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام، ۱۶۴) آیه اول به مفهوم اولویت دلالت می‌کند بر این که وقتی کشتن یک انسان محترم از منظر خداوند متعال به منزله کشتن تمام انسان‌هاست پس به طریق اولی کشتن اهالی یک شهر یا کشور که بالبداهه در آن انسان‌های بی‌گناه هم خواهد بود، از منظر خداوند بسیار قبیح خواهد بود و خدا به آن راضی نیست و آیه دوم بالمنطوق می‌رساند که کسی نبایستی قربانی شرارت و گناه شخصی دیگر باشد و به مفهوم اولویت می‌رساند که نباید هزاران انسان را به خاطر گناه چند شخص قربانی کرد و هر کس مسئولیت اعمال خویش را شخصاً برعهده دارد.

۳-۱-۲- نهی از سعی در افساد کره خاکی

که کمترین خسارت سلاح هسته‌ای این موارد می‌باشد: «اِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره، ۲۰۵). در پیش گرفتن هر مسیری که در نهایت به فساد بر روی زمین ختم گردد، مصداق سعی بر فساد و موضوع این قاعده است و در نتیجه محکوم به حرمت خواهد بود. بعد از ذکر این نکته که نابود کردن حرث و نسل از بزرگ‌ترین محرّمات است، بی‌شک نابود ساختن کشت و نسل‌کشی، از بارزترین نوع فساد در زمین است. استفاده از سلاح‌های میکروبی، شیمیایی، نیتروژنی و هسته‌ای از بارزترین عواملی است که در زمین موجب فساد و افساد می‌کند و قدرت تخریبی و گستره کشتار تسلیحات کشتار جمعی، چنان وسیع و فزاینده است که با هیچ سلاح متعارفی مقایسه‌شدنی نیست. مطالعات استراتژیک نشان می‌دهد که انباشت سلاح‌های هسته‌ای، گامی به سوی بهره‌گیری از آنها است. همین مطالعات بیانگر آن است که به محض نخستین بهره‌گیری از این سلاح‌ها، بهره‌گیری‌های بعدی به‌گونه‌ای پیوسته و در قالبی کنترل‌ناپذیر سبب شعله‌ور شدن آتش جنگی می‌گردد که نتیجه‌ی آن تحقق فساد بسیار پر دامنه در زمین است. بدین سان و طبق قاعده‌ی «حرمت سعی بر فساد در زمین» گام زدن در وادی تولید و مسابقه‌ی تسلیحاتی به دلیل عواقبی که دارد، ناصحیح و از فقهی مردود است.

جالب این‌که قرآن شریف در این آیه سخن از «سعی منتهی به فساد در حرث و نسل» به میان آورده است. به تعبیر دیگر، حرمت را بر روی این عنوان برده است بدون نظر به این‌که این سعی آیا به فساد عملاً و مآلاً نیز منتهی می‌گردد یا نه.

۳-۱-۳- آیه تناسب در مجازات

آیه‌ای که تناسب در مجازات را بیان می‌کند: «فَمَنْ إَعْتَدَى عَلَيْكُمْ إَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا إَعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا بِإِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره، ۱۹۴).

۳-۱-۳-۱- دلالت آیه اعتداء بر منع از سلاح هسته‌ای

این آیه می‌تواند از کلیدی‌ترین آیات، راجع به حرمت استفاده از ابزارهای کشتار جمعی به حساب آید، زیرا می‌توان چندین اصل و قاعده را درباره جنگ با دشمنان از آن استفاده کرد. از جمله:

الف- اصل تناسب در تسلیحات جنگی

به این معنا که وقتی دشمن از سلاح ضعیف یا قوی استفاده کند، بایستی طرف مقابل هم به تناسب آن سلاح، عکس‌العمل نشان دهد، نه این‌که سلاحی بسیار قوی‌تر به کار برد، لکن در مانحن‌فیه سلاح هسته‌ای به هیچ عنوان وسیله‌ای برای دفاع یا حمله نیست، بلکه نسل انسانی را به خطر انداخته و هم برای ضارب و هم برای کشور مضروب صدمات غیر قابل جبرانی دارد.

ب- اصل تفکیک میان دشمن نظامی و غیر نظامی

همانند کودکان، زنان، پیران، بیماران، مجروحان، نیروهای خدماتی، و همانند آنها و نیز حیوانات و اشجار و مزارع و به‌طور کلی محیط‌زیست. بر اساس این آیه، استفاده از هرگونه سلاح جنگی که مصداق تعدی و تجاوز از حد باشد حرام است. علامه طباطبایی معتقد بودند که از آیه اعتداء «زنان و کودکان و پیران و همانند آنها، تخصصاً خارج‌اند»

(طباطبایی، ۱۳۷۴) چرا که موارد یاد شده ذاتاً طرف دعوی نیستند، تا همانندی در مجازات، برایشان رعایت شود. مفسران و فقیهان اهل سنت نیز همانند مفسران شیعی، از عنوان اعتدا در آیه مذکور در سوره بقره، حرمت استفاده از ابزار کشتار دسته جمعی را استفاد کرده‌اند. از باب نمونه: رشید رضا، از متفکران اهل سنت، در تفسیر المنار در مقام بیان مصادیق اعتدای حرام می‌نویسد: «آغاز به جنگ، کشتن افراد مسلم، جنگ باغیرنظامیان، مانند کودکان، زنان، پیران، تخریب خانه‌ها، قطع درختان، به آتش کشیدن زراعت‌ها همانند تعدی به این موارد مورد کراهت و غضب خداوند است.» (زحیلی، ۱۴۱۸ق)

۳-۲- روایات

۳-۲-۱- روایات امامیه

عموم و اطلاق روایاتی که از اهل‌البیت علیهم السلام در مورد نهی جنگجویان مسلمان، از کشتن افراد غیر نظامی، تخریب خانه‌ها، مزارع و کشتن حیوانات، پخش سموم به محل مسکونی دشمن و... رسیده‌است، دلالت بر منع از سلاح کشتار جمعی می‌کند، مانند:

الف: «عن أبي عبدالله (ع) قال: كان رسول الله (ص) اذا اراد ان يبعث سرية دعاهم فأجلسهم بين يديه ثم يقول سيروا بسم الله وبالله وفي سبيل الله وعلى مله رسول الله (ص) لا تغلوا ولا تمثلوا ولا تغدروا ولا تقتلوا شيخاً فانياً ولا صبياً ولا امرأةً ولا تقطعوا شجراً إلا أن تضطروا إليها...» (طوسی، ۱۴۰۷ق) "پیامبر گرامی اسلام وقتی اراده می‌کرد که جنگی را با دشمن انجام دهد سپاه خویش را دور هم جمع می‌کرد و می‌فرمود حرکت کنید با نام خدا و در راه خدا و بر دین خدا پس زیاده‌روی نکنید و مثله نکنید و عهد نشکنید و پیر فرتوت و کودک و زنان را نکشید و درختی را قطع نکنید، مگر اینکه مضطر به آن شوید".

ب: «عن أبي عبدالله (ع) قال: إن النبي (ص) كان إذا اراد أن يبعث أميراً على سرية أمره بتقوى الله عز وجل في خاصة نفسه ثم في أصحابه عامة ثم يقول أغزوا بسم الله وفي سبيل الله قاتلوا من كفر بالله ولا تغدروا ولا تغلوا ولا تمثلوا ولا تقتلوا وليداً» (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، حرعاملی، ۱۴۰۹ق و مجلسی، ۱۴۰۴ق)؛ "پیامبر وقتی که امیری را برای جنگی انتخاب می‌کرد همیشه او را به رعایت تقوای الهی در مورد خودش و بقیه سپاهیان امر می‌کرد، بعداً می‌فرمود: بجنگید با نام خدا و در راه خدا و کسانی را که کفر ورزیدند را بکشید اما عهد نشکنید و زیاده‌روی نکنید و مثله نکنید و کودکی را نکشید".

۳-۲-۲- روایات اهل سنت

الف: عن خالد بن الفزr حدثني أنس بن مالك أن رسول الله (ص) قال: انطلقوا باسم الله وعلى مله رسول الله لا تقتلوا شيخاً فانياً ولا طفلاً ولا صغيراً ولا امرأةً ولا تغلوا وضموا غنائمكم وأصلوا وأحسنوا إن الله يحب المحسنين» (بيهقي، بی تا، ابن‌ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق؛ ابن‌عبدالبر، ۲۰۰۰م؛ ابن‌عبدالبر التمهيد، ۱۳۸۷).

"با نام خدا و بر مبنای دین خدا اسیران را آزاد کنید و پیر فرتوت و طفل و صغیر و زن را نکشید و زیاده‌روی نکنید طوری که به غنایم جنگی شما افزوده شود و محبت کرده و نیکی کنید چرا که خداوند محسنین را دوست دارد".

ب: «عن سلیمان بن بریده عن أبیه قال قال رسول الله (ص) إذا أمر أميراً على جيش أو سرية أوصاه في خاصته بتقوى الله ومن معه من المسلمين خيراً ثم قال اغزوا باسم الله في سبيل الله قاتلوا من كفر الله اغزوا ولا تغلوا ولا تغدروا ولا تمثلوا ولا تقتلوا وليدًا. وإذا لقيت عدوكم من المشركين فادعهم إلى إحدى ثلاث خصال» همیشه وقتی پیامبر اسلام امیری را به جنگی امر می‌فرمود او را در مورد خودش و سپاهش به رعایت تقوای الهی وصیت می‌فرمود، بعد می‌فرمود با نام خدا و در راه خدا بجنگید و کسانی را که کفر می‌ورزند را بکشید و و زیاده‌روی نکرده و عهد نشکنید و مثله نکرده و بچه‌ای را نکشید" (همان) که مضمون این روایت شبیه به امامیه قبلاً نقل گردید.

۳-۲-۳- جمع‌بندی آیات و روایات

براساس این آیات و روایات می‌توان نتیجه گرفت که اصل اولی در تجاوز، کشتن، اذیت و آزار دیگران حتی غیر مسلمان "حرمت" است. از این اطلاق و عموم، موارد خاص با تخصیص و تقیید خارج شده‌است. اگر در موردی شک داشته باشیم که با تخصیص و یا تقیید خارج شده، مثلاً شک کنیم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ جایز است یا نه، مرجع ادله اولیه است. اصولی هم چون منع اقدام به جنگ به قصد انتقام‌جویی، منع آغاز به جنگ نمودن، منع مثله کردن کشته‌های دشمن، منع نقض عهد و پیمان‌های جنگی، منع کندن و سوزاندن درختان و مزارع، منع اسارت پیش از اتمام حجت. که مستخرج از منابع قرآنی و روایی فوق‌الذکر و مانند آن می‌باشد، می‌تواند در جهت تبیین مبانی فقهی حرمت به کارگیری ابزار جنگی غیر متعارف هسته‌ای و میکروبی مورد استدلال قرار گیرد.

۳-۳- قاعده‌ی اثم

مطابق این قاعده اگر اثم -یعنی گناه و زشتی و پلشتی- در عملی از نفع و سود آن عمل بیشتر و بزرگ‌تر باشد، تحریم می‌گردد. سلاح‌های هسته‌ای مصداق اثم این قاعده است. این سلاح‌ها به‌وضوح، اثمی بزرگ‌تر از نفع دارند. تصور درگیر شدن بشر در نبرد هسته‌ای آن‌چنان دهشت‌انگیز است که جایی برای تشکیک در کاربرد قاعده‌ی مورد اشاره باقی نمی‌گذارد. تشخیص پلشتی و زشتی بهره‌گیری از سلاح‌های هسته‌ای به حکم عاقلان و خوردن مهر تأیید از سوی وجدان آدمی مسلم است.

گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز حکمی مشابه دارد، زیرا افزایش این سلاح‌ها به تدریج فرایندی تصاعدی خواهد یافت و به شیوه‌ای پیوسته به تکرار این وضعیت خواهد انجامید. این مسابقه‌ی خطرناک که منطقی تصاعدی بر آن حکم می‌راند، اثمی را سبب می‌شود که بی‌هر سخنی، بیشتر از منافع احتمالی برخوردار از این سلاح‌ها است.

آیه‌ی «إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره، ۲۱۹) «اگرچه در ارتباط با خمر و میسر» وارد شده، ولی در واقع یک قاعده است و قابل تطبیق در هر مورد که بزرگ‌تر بودن اثم در آن احراز شود. در ارتباط با خمر و میسر، شارع مقدس خود بزرگ‌تر بودن اثم را اعلام نموده، ولی در ارتباط با سلاح اتمی، تمام عقلای جهان بر نهفتگی فساد بزرگ در آن اتفاق نظر دارند.

به‌واقع همه معتقدند که فساد نهفته در سلاح اتمی، فساد ذاتی و حداکثری است و از این رهگذر احراز موضوع قاعده شکل می‌گیرد.

۴- بررسی نحوه دلالت مفهومی روایات، بر منع از تولید و به کارگیری سلاح هسته‌ای

۴-۱- روایات دال بر حرمت مسموم کردن محل سکونت دشمن

«عن سکونی، ان النبی (ص) نهی ان یلقى السّم فی بلاد المشرکین» (طوسی، ۱۴۰۷ق) رسول خدا (ص) از سم پاشیدن در مناطق مشرکان نهی کرده است.»

۴-۱-۱- بحث دلالی

به نظر می‌رسد، منع و نهی در این روایات هرچند در مورد سم وارد شده است، لکن ملاک نهی اختصاص به سم ندارد، بلکه شامل هر گونه سلاح‌های کشتار جمعی می‌شود، زیرا فرقی میان مسموم کردن آب و یا هوا و یا زمین با، استفاده از دیگر سلاح‌های غیر متعارف، نیست، زیرا اگر استفاده از سم که به منطقه محدودی آسیب می‌رساند حرام باشد، استفاده از بمب اتم و سلاح شیمیایی به طریق اولی حرام است، هم‌چنین این مورد، از احکام توصلی است. لذا می‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و به ابزارهای کشتار جمعی که همانند سم بلکه در حد بیشتری سبب نابودی می‌شود، سریان داد.

۴-۱-۲- فتاوی فقهاء در مورد منع از القاء سم، در جنگ

بسیاری از فقهاء، پاشیدن سم در مناطق جنگی و غیر جنگی را حرام دانسته‌اند. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

۱. شیخ طوسی در کتاب "النهایه" می‌نویسد: «فانه لا یجوزُ أن یلقى فی بلادهم السّم» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق) "همانا به تحقیق جایز نیست در مناطق کفار سم پاشیده شود".

۲. ابن ادریس می‌فرماید: «یجوز قتالُ الکُفّارِ بسائرِ أنواعِ القتلِ واسبابه الا بتفريقِ السّاکنِ ورمیهم بالعیانِ والقاءِ سمّ فی بلادهم فانه لا یجوزُ أن یلقى السّم فی بلادهم» (حلی، ۱۴۱۰ق) کشتن کفار با سایر انواع قتل و اسبابش جایز است اما بایستی ساکنین که قصد جنگ ندارند را از جنگویان جدا ساخت و در میان آنها سم القاء نکرد چرا که در بلاد آنها القاء سم جایز نیست"

۳. ابن زهره در این باره می‌نویسد: « فانه لا یجوزُ أن یلقى فی ديارهم القاء السّم ولا یقاتل فی اشهر الحرام فی من یری لها حرمة من الکُفّارِ إلا أن یبدأوا فیها بالقتال» (ر.ک: ابن زهره، ۲۰۱۰م) در بلاد کفر القاء سم جایز نیست و نباید در ماه‌های حرام با آنها مقاتله نمود البته نسبت به کسانی که حرمتی برای این ماه‌ها قائل هستند مگر اینکه در چنین ماه‌هایی آنها شروع کننده به جنگ باشند".

۴. بسیاری از مراجع تقلید معاصر نیز در استفتائاتی که از آنها شده است به کارگیری ابزارهای جنگی غیر متعارف را در جنگ حرام دانسته‌اند. مانند آیت‌الله مکارم شیرازی که می‌فرماید: «علاوه بر حرمت کشتادن جنگ به غیر نظامیان،

تعدی به باغستان‌ها، گیاهان و زراعت‌ها و نیز استفاده از مواد سمی برای زهر آلود کردن آب‌های آشامیدنی دشمن یعنی جنگ شیمیایی و میکروبی جایز نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴) بر اساس این روایات معتبره و فتوای فقهای گذشته و استفتاء از مراجع معاصر، استفاده از ابزارهای جنگی غیر متعارف حرام است، چون مصداق مسموم کردن مناطق جنگی است.

۲-۴- روایات دال بر منع استفاده از تسلیحات آتش‌زا در جنگ

۱. «عن ابی عبدالله (ع) قال أن النبی (ص) کان اذا بعث امیراً له علی سَریه أمره ... ولا تقطعوا شجره مثمر ولا تحرقوا زرعاً» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق) "در این روایت پیامبر از سوزاندن نخل‌ها در جنگ منع می‌کند".

۲. «عبدالله ابن مسعود عن ابیه قال قال رسول الله (ص) لا تعدّبوا بالنار لا یعدّب بالنار الا ربها» (طوسی، ۱۴۰۷ق) "از طریق سوزاندن کسی را عذاب ندهید، چرا که فقط خدای آتش، با آتش کسی را عذاب می‌دهد".

۵- نظریات فقهای شیعه و اهل سنت در مورد ممنوعیت اقدام علیه انسانیت

۱-۵- فقهای شیعه

ایشان بر اساس آیه اعتدا و روایات فراوان تصریح کرده‌اند، استفاده از ابزارهای جنگی موجب کشتار جمعی، حرام است و بایستی اصل تفکیک و اصل تناسب رعایت شود که در هر حال سلاح‌های هسته‌ای و مانند آن به هیچ وجه نمی‌توانند آن اصول را رعایت کنند و علاوه که باعث خسارت‌های جبران‌ناپذیر برای طبیعت و بشریت می‌باشد. به مواردی از آن فتاوا، اشاره می‌شود:

۱. شیخ طوسی: «ولا یجوز قتل النساء. فإن قاتلن المسلمین وعاون أزواجهن ورجالهن، أمسک عنهن. فإن اضطروا الی قتلهن، جاز حیثئذ قتلهن، ولم یکن به بأس» (طوسی، ۱۴۰۰ق) "اجازه ندهید که زنان مشرکین به شوهرانشان در جنگ علیه مسلمین کمک کنند اما اگر مضطر شدید می‌توانید زنانشان را بکشید".

۲. ابن‌براج: «ولا یجوز قتل النساء وإن قتلن مع أهلهن، إلا أن یدعو الی قتلهن ضرورة، وإن دعت ذلك ضرورة لم یکن به بأس» (ابن‌البراج، ۱۴۰۶ق) "تا ضرورت اقتضا نکرد از کشتن زنان در جنگ بپرهیزید".

۳. علامه حلی: «لا یجوز قتل المجانین، ولا الصبیان، ولا النساء منهم وإن أعن إلا مع الحاجه» (علامه حلی، ۱۴۱۳ق) "در جنگ کشتن مجانین، بچه‌ها، زنان از مشرکین جایز نیست، مگر اینکه ضرورت اقتضا کند".

۴. احمدی میانجی: «نهی رسول الله (ص) عن قتل من لا يُقاتل في مكة، و نهى عن قتل النساء والصبيان و الشيوخ الذين لا يُقاتلون ولا يعينون المقاتلين ولو بالتدبير و الفكر» (احمدی میانجی، ۱۴۱۱ق) "پیامبر اسلام از کشتن کودکان، پیران، ناتوانان ... در جنگ با کفار و مشرکین نهی نموده است".

۲-۵- فقهای اهل سنت

۵-۲-۱- حنفی ها

موصلی از فقهای حنفی: «ولا يقتلوا مجنوناً، ولا امرأةً ولا صبياً، ولا أعمى، ولا مقعداً، ولا مقطوع اليمين، ولا شيخاً فانياً» (موصلی الحنفی، ۱۴۱۹ق) "نباید در جنگ با دشمنان دین، مجنون، زن، بچه، کور، زمین گیر، دست بریده و پیر ناتوان را بکشید".

۲-۲-۵- شافعی ها

«(فصل) ولا يجوز قتل نساءهم ولا صبيانهم إذا لم يُقاتلوا لما روى ابن عمر رضي الله عنه أن رسول الله (ص) نهى عن قتل النساء و الصبيان ولا يجوز قتل الخنثى المشكل، لانه يجوز أن يكون رجلاً ويجوز أن يكون امرأة فلم يقتل مع الشك» (نووی، ۱۴۱۴ق) "به خاطر نهی رسول اکرم از کشتن ناتوانان نباید زنان و بچه ها را کشت و هم چنین کشتن خنثی نیز جایز نیست، چرا که هنگام شک در مرد بودن و زن بودن خنثی باید احتیاط کرده و او را نکشت".

۳-۲-۵- حنبلی ها

ابن قدامه از فقهای حنبلی: «(فصل) ولا تقتل امرأة ولا شيخ فإن وبذلك قال مالك و أصحاب الرأي، و روى ذلك عن أبي بكر الصديق و مجاهد. و روى عن ابن عباس في قوله تعالى (ولا تعتدوا) يقول لا تقتلوا النساء الصبيان و الشيخ الكبير» (ابن قدامه، بی تا) "ابن عباس در تفسیر آیه صد و نود بقره گفته است که کشتن زنان و بچه ها و پیرمردها جایز نیست".

۵-۲-۴- مالکی ها

ازهری از فقهای مالکی: «ولا يقتل النساء و لا الصبيان لما صح من نهييه عليه الصلاة والسلام عن قتلهم» (الأزهری، بی تا) "روایت صحیحی از پیامبر اکرم (ص) در مورد نهی از کشتار کودکان و زنان وجود دارد و لذا این کار حرام است".

از مجموع مباحثی که تحت عنوان مقتضای اصل اولی و حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی مشرکان و حرمت به کارگیری ابزارهای آتشزا در جنگ صورت گرفت، به این نتیجه قطعی و مسلم می توان رسید که استفاده از سلاح های غیر متعارف هسته ای، میکروبی و شیمیایی، در انواع مختلف آن، از نظر فقهای مذاهب اسلامی، حرام است.

۶- تطبیق دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل در مورد اقدام علیه انسانیت

قبلاً گفته شد که دیدگاه اسلام در قرآن و احادیث بسیاری که از فریقین نقل شد، حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد، اما در مقابل به نظر می‌رسد دنیای غرب از آنجا که قوانین انسانی و حاکم بر طبیعت را خدا محور نمی‌داند از این رو در پی ریزی قوانین سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و ... به شدت دچار تضادها و تناقض‌ها، می‌شود، چرا که قوانین غرب بر اساس حکومت انسان بر انسان است، نه حکومت خدا بر انسان، از این رو در بسیاری از اوقات امیال نفسانی مانند غضب و شهوت، خودکامگی، برای حزب خود و... در قوانین غرب، حاکم است، لهذا هنوز غرب نتوانسته و نمی‌تواند به صورت قانونی کلی، عملاً، همه کشورهای دنیا را از داشتن سلاح‌های کشتار جمعی منع کند، بنابراین بهترین دلیل بر اینکه تفکر بعضی کشورهای غرب، برداشتن سلاح هسته‌ای و جواز استفاده از آن است، این است که کشوری مانند آمریکا و کشور غاصبی مانند اسرائیل، دارای سلاح‌های هسته‌ای هستند.

۶-۱- بیان اشتراک دو دیدگاه

۶-۱-۱- جنگ اخلاقی و جوانمردانه

امروزه در فضای حقوق بین‌الملل از جنگی که در آن، اصول انسانی رعایت شود، به عنوان جنگ اخلاقی *just war* یا *moral war* (مدنی، ۱۳۵۲) بحث می‌شود و متقابلاً از آموزه‌های فراوان اسلامی، اصل جنگ جوانمردانه و رعایت اخلاق انسانی در جنگ را، به وضوح می‌توان به دست آورد، مخصوصاً در متون اسلامی فروعاً زیادی در این باره وجود دارد مانند این که، در جنگ اگر دشمن اسیر ما را کشت ما حق نداریم اسیر او را بکشیم. اگر کشته‌های ما را مثله کرد، ما حق نداریم کشته‌های او را مثله کنیم و مواردی از این قبیل. در جریان هابیل و قابیل که قرآن مطرح کرده است، هابیل به برادرش می‌گوید: «لَنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي، مَا أَنَا بِبَاسِطِ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ» (مائده، ۲۸) «من دست به برادر کشی نخواهم زد ولو این که تو دست بلند کنی و خواسته باشی مرا بکشی» هابیل نمی‌گوید که تو را نمی‌کشم بلکه می‌گوید، اگر تو قصد مجرمانه (قتل) داری، من قصد قتل ندارم (یعنی دفاع می‌کنم اما جنگ نمی‌کنم)، این یعنی حاکمیت اخلاق، هم‌چنین عاشورا، که سراسر شور و شعور می‌باشد و هم به تمام معنا مبارزه با ظلم بوده و هم با تمام وجود ایثار و گذشت را تجلی می‌دهد، بیان‌گر اصل ظلم‌ستیزی و رعایت اصول اخلاق دارد، آیا حضرت اباعبدالله (ع) نمی‌توانست آن موقع که هنوز لشکر دشمن نرسیده بود، آب را ببندد؟! یا مسلم بن عقیل نمی‌توانست از پشت دشمن را بزند، اینها همه اخلاق جنگ و سیره امام در جنگ را یاد می‌دهد، که از اقدام علیه انسانیت و کارهای غیراخلاقی نهی می‌کردند.

۶-۱-۲- اصل وفای به عهد و معاهدات

همان‌طوری که در حقوق بین‌الملل التزام به معاهدات، امری پذیرفته شده می‌باشد، قوانین دین اسلام نیز به معاهدات بین‌المللی اگر با اصول انسانی اسلام، متعارض نباشد، پایبند است یکی از مفاد "صلح حدیبیه"، این بود که اگر کسی از مسلمانان از سرزمین مکه فرار کند و به مدینه بیاید، پیامبر اسلام (ص) موظف است وی را تحویل دهد، چندین مورد اتفاق افتاد که مسلمانان از سرزمین کفر فرار کردند و به مدینه آمدند و به پیامبر پناهنده شدند، «پیامبر (ص)

به آنها گفت شما، باید برگردید و هنگامی که از مکه آمدند، آنها را، دست بسته و کشان کشان بردند، آن شخص پناهنده داد می زد که ای پیامبر (ص) مگر من مسلمان نیستم؟ چرا از من حمایت نمی کنید؟» (ابن خلدون، ۱۳۹۳) منطق پیامبر این بود که بعد از عقد قرارداد، به آن، پای بند بود.

۳-۱-۶- صلح پایدار

اصل دیگر در اسلام و حقوق بین الملل، التزام به صلح پایدار است، چنان که امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «فانهم صنفان، اما اخ لك في الدين او نظير لك في الخلق» (سیدرضی، ۱۴۱۵ق) لذا دین اسلام همیشه دعوت به مدارا و صلح می کند تا انسان با امنیت و آرامش به تعالی برسد و حقوق بین الملل نیز با انواع معاهدات و کنوانسیون ها و اتحادیه ها سعی در برقراری آرامش دارد اما مشکل دنیای غرب در منابع و مؤاخذی است که قوانین را از آن، استخراج می کند و نوع جهان بینی است که دارد.

۴-۱-۶- قاعده لاضرر

قاعده «لا ضررَ و لا ضرارَ فی الاسلام» (کلینی، ۱۴۰۷ق) که مفاد آن ممنوعیت وارد کردن خسارت، بدون جهت یا با تعدی و تفریط بر دیگران، می باشد، مقرر می دارد ما حق نداریم ضرر غیر قابل جبران و کنترل نشده ای را به بهانه دفاع بر دیگران وارد کنیم، متقابلاً این مسئله در حقوق بین الملل از «اصول کاردینال» (نعمت الهی، ۱۳۷۹) شمرده می شود، بدیهی است که به کارگیری سلاح هسته ای باعث می شود، ضررهای غیر قابل جبران، بر انسان ها و طبیعت وارد شود.

۷- نکاتی در رابطه با فتوای مقام معظم رهبری^۱

الف: فتوای رهبری درباره حرمت تولید سلاح هسته ای، یقیناً حکم اولیه بوده و مضافاً می توان آن را به خاطر مصالح و مفسد حاکم بر جهان و ایران، حکم حکومتی دانست.

ب: فتوای رهبری در مقام تقیه نبوده و بنا به مقتضای ادله و منابع اسلامی که گفته شد، در شرایط عادی بوده است. در تتمه بحث باید گفت که تولید، نگهداری و استفاده از سلاح هسته ای از آنجا که در فقه اسلامی، این قبیل موارد از آلات مختصه به حساب می آیند، حرام است. توضیح این که بر اساس مبانی فقهی، بحثی با عنوان «آلات مشترک و آلات مختصه» (حلی، ۱۴۱۰ق) وجود دارد، مثل چاقو که از آلات مشترک است، هم برای پوست کندن میوه و هم برای قتل استفاده می شود، خرید و فروش و استفاده از چاقو در موارد حلال، جایز است. اما اگر یک موردی باشد که فقط

— رهبر معظم انقلاب در پیامی به نخستین کنفرانس بین المللی خلع سلاح و عدم اشاعه که فروردین ماه سال ۹۰ در تهران برگزار شد، فرمودند: «به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته ای، دیگر انواع سلاح های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می شوند.» ایشان در دیدار با رئیس و مسئولان سازمان انرژی اتمی تأکید کردند: «ما استفاده ای از این تسلیحات را گناه بزرگ می دانیم و نگهداشتش را یک کار بیهوده ی پرخطر می دانیم و هرگز دنبالش هم نمی رویم.» (روزنامه کیهان، فروردین ۱۳۹۰ش).

استفاده خاص داشته باشد و آن هم فقط در حرام باشد، مثلاً در بحث موسیقی «آلاتی که خاصه است، تولید، نگهداری و استفاده از آن حرام و خرید و فروشش هم حرام است» (شیخ انصاری، ۱۴۱۴ق) سلاح کشتار جمعی، از آلات مختصه می‌باشد، نگهداری ابزاری که فقط استفاده حرام دارد با چه هدفی صورت می‌گیرد؟ وقتی سلاحی برای بعد روانی بازدارندگی، نگهداری شود، بدان معناست که اگر مجبور شویم، استفاده می‌کنیم و گرنه بازدارندگی ندارد و حال آن که بر اساس مبانی اصلاً نمی‌شود از آن استفاده کرد، هم‌چنین فروش آن، به دیگران هم از باب اعانه بر اثم حرام خواهد بود و نگهداری آن هم، چون لازمه‌اش استفاده‌است، حرام خواهد بود، مضافاً این‌که مصداق "لغو" هم خواهد بود و در اسلام نهی شده‌است «والذین هم عن اللغو معرضون» (مؤمنون، ۳).

۸- نتیجه گیری

در این تحقیق سعی شد که بر اساس شیوه معمول فقهاء، به ادله قرآنی، روایی و قواعد فقهی پیرامون تولید و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای پرداخته شود و بررسی شد که این سلاح‌ها در انواع مختلف آن، یک جرم عام است و از نظر فقهای مذاهب اسلامی حرام بوده و ادله‌ای از قرآن و روایات بیان شد. بنابراین در تعالیم اسلام، آیات و روایات، مستنداتی در زمینه‌ی سلاح‌های کشتار جمعی در قالب مؤلفه‌هایی وجود دارد که همگی بر منع کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی دلالت دارند. در این حکم یعنی ممنوعیت کاربرد تفاوتی در میان آرای مذاهب اسلامی وجود ندارد. حتی با وجود به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی از سوی دشمن باز هم مسلمانان به کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی مجاز نیستند و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در هر صورت، اقدام علیه انسانیت محسوب می‌شود. حتی تهدید (نه به‌کارگیری) دشمن با سلاح‌های کشتار جمعی از نظر فقهای شیعه ممنوع است. آنچه از نظر فقهای اسلام منع شد، تولید، نگهداری و به‌کارگیری سلاح کشتار جمعی بود، اما در مواردی به‌نظر می‌رسد تولید، نگهداری و به‌کارگیری دانش هسته‌ای، مجاز باشد، هرچند که جا دارد تا علما و اندیشمندان با تحقیقات علمی و فقهی، فروع دیگری در این زمینه طرح نموده و جواب دهند. لذا بایستی بین علم، برای رسیدن به سلاح هسته‌ای با دانش هسته‌ای و استفاده از آن در علم طب و دیگر موارد مجاز، تفاوت قائل شد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، سیدرضی (۱۴۱۵ق)، بیروت: دارالاسوه.
- ابن ادریس الشافعی، ابو عبدالله محمد (۱۴۳۲ق)، کتاب الأم، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، الطبعة الثانية.
- ابن اثیر، ابوالسعادات محمد جزری (۱۳۶۴ش)، النهایة، تحقیق طاهرالزاوی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن البراج القاضی، عبدالعزیز، (۱۴۰۶ق)، المهذب، اشراف: جعفر السبحانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۹۳ش)، مقدمه‌ی ابن خلدون، تهران: علمی - فرهنگی.
- ابن قدامة المقدسی، عبدالرحمن (بی تا)، الشرح الكبير، بیروت: دارالکتب العربی للنشر و التوزیع.
- ابن قدامة الجماعیلی المقدسی، عبدالله بن احمد بن محمد (بی تا)، الکافی فی فقه الامام احمد بن حنبل، علی اصغر مروارید، دارالتراب.
- ابن قدامة الجماعیلی المقدسی، عبدالله بن احمد (الف)، المغنی، دارالکتب، بیروت.
- ابومخنف، لوط بن یحیی ازدی (۱۳۷۸ش)، مقتل الحسين، مؤسسه مطبوعاتی دارالکتب، چاپ دوم.
- آبی الأزهري، صالح بن عبدالسمیع (بی تا)، الثمر الدانی، بیروت: المكتبة الثقافية.
- احمد بن حنبل، (بی تا)، مسند احمد، بیروت: دارصادر.
- أحمدی میانجی، علی، الاسیر فی الاسلام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الأولى.
- اخوان کاظمی، بهرام، کرامت انسانی در دولت مهدوی، همایش بین المللی دکترین مهدویت، ۱۳۸۷/۰۱/۲۹.
- اصفهانی، ابونعیم (۱۴۱۵ق)، مسند ابی حنیفه، تحقیق: نظر محمد الفاریابی، الرياض: مكتبة الكوثر.
- امام خمینی، روح الله موسوی خمینی (۱۳۹۰ش)، صحیفه امام، ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۴ق)، رسائل فقهیه، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، بی نا، بی جا.
- بیهقی، احمد بن حسین (بی تا)، السنن الكبرى، دارالفکر.
- حر العاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسایل الشیعة، قم: احیاء التراث، الطبعة الاولى.
- حلّی، ابن ادریس (۱۴۱۰ق)، السرائر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- زحیلی، وهبه بن مصطفى (۱۴۱۸ق)، التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، بیروت: دارالفکر.

- شهید اول عاملی، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، *الدروس الشرعیه*، قم: جامعه مدرسین، الطبعة الثانية.
- شهید ثانی عاملی، زیدالدین علی بن احمد (۱۴۱۳ق)، *مسالك الافهام*، مؤسسه المعارف، چاپ اول.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق)، *المعجم الاوسط*، بیروت: دارالحرمین للطباعة و النشر و التوزیع
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن محمد (بی تا)، *المعجم الصغیر*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن محمد (۱۴۱۷ق)، *مسند الشامین*، بیروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الثانية.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى*، بیروت: دارالکتب العربی.
- عبدی و هاشمی، حسن و محمد جواد (۱۳۹۷ش)، *بررسی تحلیلی مفهوم سلاح های کشتار جمعی*، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸، شماره ۳.
- علامه حلی، حسن (۱۳۴۳ق)، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مطبعة الحاج أحمد آغا، الطبعة الاولى.
- همو (۱۴۱۱ق)، *ارشاد الازهان*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعه المدرسین.
- همو (۱۴۲۱ق)، *تلخیص المرام*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الأولى.
- همو (۱۴۱۳ق)، *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم: جامعه مدرسین، الطبعة الأولى.
- عمیدزنجانی، عباسعلی و محمد مهدی توکلی، *حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام*، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴.
- فیروزآبادی شیرازی، ابواسحاق (۱۴۲۴ق)، *المذهب فی فقه الامام الشافعی*، بیروت، دارالمعرفة، الطبعة الاولى.
- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان: مکتبه امیر.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۵ش)، *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ
- کرولی، آنجلا (۱۳۷۵ش)، *دیکشنری آکسفورد*، انتشارات فروزش.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، طهران: دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الرابعة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مشهد: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- محقق حلی، جعفر بن محمد (۱۴۱۲ق)، *شرائع الاسلام*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
- محقق کرکی، علی بن الحسین (۱۴۱۴ق)، *جامع المقاصد*، قم: احیاء التراث، الطبعة الثانية.
- مدنی، سید جلال (۱۳۵۲ش)؛ *خلع سلاح و سازمان ملل متحد*، تهران: نشر خواندنی ها.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۵۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موصلی الحنفی، الامام عبدالله بن محمود بن مودود (۱۴۱۹ق)، *الاختیار*، بیروت: دارالکتب، الطبعة الاولى.
- نعمت‌اللهی، همایون (۱۳۷۹ش)، *واژه‌نامه سیاسی*، تهران: عباسی.
- نوربها، رضا (۱۳۷۱ش)، *انسانیت و جرایم علیه آن*، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱، شماره ۱۱۶.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مشهد: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- نووی، محیی‌الدین (۱۴۱۴ق)، *الاذکار النوویة*، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- همو، (بی‌تا)، *المجموع*، بیروت: دارالفکر.